



گروه آموزشی دانش نوین

 @irandaneshnovin1

برای دانلود بقیه جزوات به کانال ما بپیوندید :

<https://telegram.me/irandaneshnovin1>

@irandaneshnovin\ :بهترین جزوات، مشاوره با رتبه های تک رقمی

همه چیز در باره ی Reading

بخش اول

برای بسیاری از داوطلبان کنکورهای سراسری شاید بخش Reading Passage (درک متن

) ، سخت ترین و چالش بر انگیز ترین بخش آزمون به حساب آید. بسیاری از داوطلبان عزیز ، با گرامر و واژگان ، ارتباط راحت تری برقرار می کنند ؛ اما همیشه یکی از متداول ترین گله های آنان ، بخش درک متن و تا حدی نیز بخش Cloze Test است. این گلایه ها حکایت از آن دارد که داوطلبان باید بیشتر از هر چیز در این دو بخش ، مهارت کسب کنند و آموزش ببینند.

ما در این نوشتار سعی داریم با ارائه ی روش هایی هدفمند و کاملاً کاربردی و به ساده ترین شکل ممکن ، به این بخش از دغدغه های داوطلبان عزیز پایان دهیم و قدم به قدم آن ها را در کسب این مهارت ها یاری کنیم. باشد که به خیر دنیا و آخرت دست یابیم ! اعتقاد قلبی ما این است که داوطلبان عزیز با استفاده از این راه کار ها که بارها توسط بسیاری از دانش پژوهان دیگر تجربه شده اند و از نتایج آن بهره مند گردیده اند ، بتوانند با سهولت بیشتر با درک متن های کنکور کنار بیایند و با کاربست آن ها زمینه های موفقیت هر چه بیشتر خود را در آزمون های مختلف ، فراهم کنند.

داوطلبان عزیز یقیناً می دانند که در آزمون های سراسری سال های اخیر ، سوالات درس زبان که به عنوان آخرین درس در دفترچه ی عمومی هر پنج گروه آزمایشی (ریاضی ، تجربی ، انسانی ، هنر و زبان) درج می شود ، شامل ۲۵ سوال است و داوطلبان باید در مدت ۲۰ دقیقه به آن ها پاسخ دهند (۴۸ ثانیه برای هر سوال) . متأسفانه بسیاری از داوطلبان عزیز به دلیل عدم توانایی کافی در مدیریت زمان ، وقتی به این بخش می رسند یا وقت آزمون تمام شده است و یا این که فقط می توانند به چند سوال اول زبان که مربوط به گرامر و واژگان است ، پاسخ دهند و بخش cloze و reading را بی پاسخ رها می کنند.

چیدمان کلی سوال های درس زبان در سال های اخیر غالباً به صورت جدول زیر بوده است:

تعداد سوال	بخش
۴	۱- گرامر
۸	۲- واژگان
۵	۳- Cloze (یک متن ناتمام)
۸	۴- Reading (دو متن مجزا)

پرسشی که همیشه از زبان بسیاری از دوستان داوطلب می شنویم این است که چه گونه می توان با در اختیار داشتن ۲۰ دقیقه زمان ، به تمام ۲۵ سوال پاسخ گفت ؟ این پرسش، زمانی جدی تر می شود که بدانیم گاهی دو متن آخر چنان طولانی اند که اگر بخواهیم بسیار سریع و اصطلاحاً خیلی سرسری آن ها را از نظر بگذرانیم ، به زمانی بیش از مدت پیشنهادی طراحان محترم نیازمند خواهیم بود. بر این اساس ، دوستان عزیز داوطلب باید با کسب مهارت های لازم برای پاسخ گویی به سوال های reading و cloze ، زمان را به گونه ای مدیریت کنند که در زمانی حتی کمتر از ۲۰ دقیقه به تمام سوال های زبان ، پاسخ گویند ! این کار واقعاً شدنی است!

پیش از آن که به طور دقیق و جزء به جزء به راه کارهای لازم برای پاسخ گویی به سوال های درک متن پردازیم ، اجازه دهید ابتدا چند پیشنهاد دوستانه و خودمانی تقدیمتان کنیم و آن گاه به اصل داستان پردازیم. پس لطفاً خوب حواستان را جمع کنید!

۱- لطفاً از Reading نترسید! اما چگونه ؟

پاسخ این سوال بسیار ساده است : با مطالعه! پیشنهاد اول و آخر ما این است: هر چه می توانید خود را درگیر مطالعه ی متن های مختلف کنید. با این کار ، علاوه بر این که ترس و دلهره ی مواجهه با متن های گوناگون را از خود دور خواهید کرد ؛ دانش زبانی شما نیز به طرز چشمگیری افزایش خواهد یافت. برای این کار ، لازم است حد اقل روزی یک یا دو متن - از هر جا که توانستید - مطالعه کنید. روزنامه ، مجله ، اینترنت ، کتاب های داستان ، مطالب علمی به زبان انگلیسی و منابع سرشاری از اطلاعات را به شما عرضه خواهند کرد. البته در یکی دو ماه مانده به کنکور،

پیشنهاد می‌کنم که با چند نمونه سوال های کنکور از رشته های مختلف دست و پنجه نرم کنید تا روال و رویکرد طراحان کنکور به این نوع سوالات دستتان بیاید.

یادتان باشد که آمادگی های پیش از امتحان ، دقیقاً مانند فرآیند آمادگی یک تیم ورزشی برای حضور در یک رقابت مهم و سرنوشت ساز است. بازیکنان تیم مورد نظر ما، علاوه بر کسب آمادگی های جسمانی و فنی لازم برای شرکت در مسابقه ، باید با برگزاری چند دیدار تدارکاتی خوب با تیم های معتبر، از جنبه ی روحی و روانی هم به آمادگی مناسب دست یابند و بر ترس ناشی از رویارویی با رقیب قدرتمند ، فایق آیند. مطالعه ی متن های مختلف پیش از رقابت تنگاتنگ کنکور ، درست شبیه آمادگی های قبل از مسابقه ی اصلی است. بنابر این با مطالعه ی زیاد ، توان روحی- روانی خود را افزایش می دهیم و خود را برای مواجهه با متن های مختلف آماده می کنیم.

۲- زمان را با کسب مهارت سریع خوانی مدیریت کنید.

با توجه به این که متن های آزمون سراسری اغلب طولانی اند ، لازم است که شما به راه کارهایی دست یابید تا زمان کافی برای پاسخ گویی به تمام ۲۵ سوال را داشته باشید. این کار با مدیریت درست زمان قابل انجام است.

مدیریت زمان امتحان ، هم به زمان خواندن متن ، مربوط است و هم به مدت زمانی که شما برای خواندن ساقه ی سوال و چهار گزینه ی پیشنهادی صرف می کنید. با توجه به این ملاحظات است که تک تک داوطلبان باید سریع خوانی را بیاموزند .

سریع خوانی یعنی چه؟

یکی از آفت هایی که بسیاری از داوطلبان به آن مبتلا هستند ، معضل " کند خوانی " است! وجود برخی عادت های نادرست در هنگام خواندن متن های گوناگون - از جمله متن های فارسی - به منزله ی یک مانع، سر راه شماست. عادت هایی مانند بلند بلند خواندن و لب خوانی از آن جمله اند. این عادت ها به نحو چشمگیری سرعت خواندن متن را کند می کنند و زمان را از داوطلب می گیرند. بگذارید موضوع را با یک مثال ، روشن تر کنیم. لطفاً این جمله ی ساده ی انگلیسی را بخوانید:

Most plastics which are made from oil are difficult to be used again.

حالا صادقانه پاسخ دهید. شما چگونه این جمله ی ساده را خواندید؟ با صدای بلند؟ با حرکت دادن لب های مبارک؟ یا اصطلاحاً توی دلتان؟ قرار شد صادقانه جواب بدهید.

اگر پاسختان هر یک از گزینه های یاد شده باشد ، شما قطعاً به ویروس " کند خوانی " دچار هستید!! حالا حتماً می خواهید پرسید:

روش درست خوانی چگونه است؟

اهل فن! بر این باورند که بهترین شیوه در متن خوانی، خوانش از طریق حرکت دادن چشم هاست . البته این کار با تمرین و ممارست بسیار ممکن خواهد شد. اگر بتوانیم با یک حرکت چشم ، تعداد کلمات بیشتری را ببینیم ، سرعت خواندن را به نحو بارزی افزایش خواهیم داد. جمله ی بالا را می توان به صورت های مختلفی از نظر گذراند. به یقین ، خواندن کلمه به کلمه ، بدترین شکل ممکن است. شاید فرد دیگری جمله را به این صورت بخواند:

Most plastics / which are made / from oil / are difficult / to be used again.

این البته خیلی بهتر از حالت اول یعنی " کلمه به کلمه خوانی " است ، اما هنوز بهترین روش نیست. روش بهتر آن است که جمله را به این صورت با چشم تعقیب کنیم:

Most plastics which are made from oil /are difficult to be used again.

توجه به همین نکات به ظاهر ساده ، می تواند زمان خواندن را به نحو چشمگیری کاهش دهد و فراغت خاطر بیشتری را در زمان کنکور برای شما فراهم نماید.

نکته ی دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کنیم حذف کلمه های کم اهمیت تر در فهم کلی جمله هاست. بهتر است در سریع خوانی، تمرکزتان را روی کلمه های کلیدی تر قرار دهید و به کلمه های دیگر مانند حروف تعریف ، حروف اضافه ، حروف ربط ، صفات ، ضمائر و قید ها کمتر توجه کنید. مثلاً کلمات کلیدی در جمله ی بالا این ها هستند:

plastics /made from oil/difficult to be used again

۳- کلمات نا آشنا و مشکل را نادیده بگیرید.

نا گفته پیداست که هرچه قدر کلمات بیشتری بدانیم ، درک جمله های متن برای ما ساده تر خواهد شد. بنابر این، قبل از آزمون باید کاملاً خود را آماده کرده باشیم. اما بسیار محتمل است

که در متن ها با کلماتی برخورد کنیم که تا به حال ندیده و یا نشنیده ایم. چاره چیست؟ آیا باید دست و پایمان را گم کنیم و فریاد وا اسفا سر دهیم؟! مطمئناً این راه حل خوبی نیست. باید سعی کنیم از کلمه های دور و بر کلمه ی نا آشنا ، معنی آن را حدس بزنیم. یادمان باشد که قرار نیست ما معنی تمام کلمات متن را بدانیم. باید از تمام امکانات موجود در متن استفاده کنیم تا به درکی کلی از جمله های داده شده دست پیدا کنیم. خیلی از موارد، کلمات نا آشنای موجود در متن، مشکلی در فهم کلی جمله ایجاد نمی کنند. در این گونه موارد کافی است از گزینه ی بسیار کاربردی " بی خیالی " استفاده کنیم.

۴- بر دو مهارت **skimming** و **scanning** تسلط یابید.

همان طور که پیش از این گفتیم ؛ مشکل اصلی بسیاری از داوطلبان در آزمون های مختلف ، نداشتن زمان کافی برای پاسخ گویی است.

در پاسخ گویی به سوالات درک متن ، شکل ایده آل آن است که داوطلب ابتدا با آرامش خاطر، متن را بخواند و بعد از درک جزء به جزء متن ، به سوالات مربوط جواب دهد. در کنکور اما چنین فرصتی به داوطلب داده نمی شود! به علاوه ، فضای روانی حاکم بر آزمون های کنکور نیز ممکن است تا حد زیادی بر عملکرد داوطلبان تاثیر منفی بگذارد و مانع دست یابی به نتیجه ی مطلوب شود. برای رسیدن به مقصود ، باید بر دو مهارت بسیار مهم یعنی **skimming** و **scanning** که ارتباطی تنگاتنگ با مهارت اول یعنی سریع خوانی دارند ، تسلط یابیم.

از نظر لغوی **skimming** به معنی سریع نگاه کردن به متن برای یافتن مفهوم کلی است.

در **skimming** هدف ما آن است که با بررسی سریع متن، ایده ی کلی و عصاره ی آن را درک کنیم. این کار معمولاً با خواندن جمله ی اول هر پاراگراف حاصل خواهد شد. سوالاتی که به **main idea** ، **topic** و **title** مربوط هستند ، اغلب با خواندن جمله های اول متن ، قابل پاسخ گویی هستند.

در مهارت **scanning** اما ، متن را سریع از نظر می گذرانیم تا اطلاعات خاصی را پیدا کنیم.

این اطلاعات خاص ممکن است نام یک فرد ، نام یک مکان خاص ، یک عدد خاص و یا هر چیزی شبیه آن باشد. سوالاتی که مربوط به جزئیات متن می شوند باید با استفاده از **scanning** پاسخ گفته شوند. مسلم است که سوالاتی که به جزئیات متن مربوط می شوند ، نیاز مند دقت بیشتری

خواهند بود. تسلط بر دو مهارت فوق ، از ابزار های اصلی و بسیار تاثیر گذار در برخورد با متن های کنکور به شمار می رود.

ممکن است از زبان این و آن شنیده باشید که در پاسخ گویی به سوالات متن، لازم نیست که تمام متن با جزئیات خوانده شود. این سخن هم درست است و هم نادرست! بهتر است این جمله را به این صورت اصلاح کنیم: لازم نیست که تمام متن را جزء به جزء بخوانیم ، اما برای پاسخ گویی درست به سوال های خاصی ، باید بخش های خاصی از متن را با جزئیات آن مطالعه کنیم.

در بخش دوم ، به بررسی دو نمونه سوال کنکور سراسری می پردازیم تا ببینیم با استفاده از راه کار های پیش گفته چگونه می توان به سوالات پاسخ گفت.

همه چیز در باره ی Reading

بخش دوم

وقت آن است که این مهارت ها را به صورت عملی با دو نمونه سوال کنکور سراری در سال ۹۴ به بوتهی امتحان بگذاریم و با دو مفهوم **skimming** و **scanning** بیشتر آشنا شویم:

For many years people have been trying to create a simple universal language that would serve all over the world as a common mean of communication. In the last three hundred years, more than seven hundred such languages have been suggested. The most successful and the most popular of these is a language called Esperanto. It was invented by Ludwig Zamenhof, who lived in Poland. When he was growing up he saw that people from different backgrounds who lived in Poland had lots of difficulties communicating with each other. This often led to disagreements. Ludwig felt that a common language would help them understand each other better and agree with each other. So he began working on a common international language. He started his work while he was still at school! In 1987, he published more information about his new language. He did not use his real name. He used the name Dr. Esperanto (which means "one who hopes"). Soon people from all over the world became interested in his language called Esperanto. Today, Esperanto is spoken by about eight million people throughout the world. Many governments and international organizations recognize it in many ways. Esperanto is often used on radio broadcasts from official government stations. (متن اول رشته ی ریاضی سال ۹۴)

این متن حدوداً از ۲۰۰ کلمه تشکیل شده و دارای یک بند یا پاراگراف است. اگر وقت کافی داشته باشیم ، بهتر است نگاهی سریع به متن بیندازیم و تمام آن را بخوانیم ؛ اما غالباً چنین فرصتی نداریم.

پیشنهاد ما برای پاسخ گویی به سوال های درک متن این است:

اگر متن از یک بند تشکیل شده باشد یکی دو جمله ی اول و جمله ی پایانی را بخوانید تا حال و هوای متن دستتان بیاید. اگر متنی از چند بند یا پاراگراف تشکیل شده باشد ، کافی است جمله های اول هر بند را بخوانید تا با برآیند این جمله ها ، ایده ی کلی متن مشخص شود. این کار را اصطلاحاً (**skimming**) یا خواندن سریع متن برای یافتن ایده ی کلی می گوییم. جمله ی اول

پاراگراف اول ، غالباً (البته نه همیشه) حاوی بیشترین اطلاعات برای یافتن ایده‌ی کلی است. به همین دلیل است که به آن جمله‌ی موضوع یا (topic sentence) هم می‌گویند.

در جمله‌ی اول این متن می‌خوانیم:

For many years people have been trying to create a simple universal language that would serve all over the world as a common mean of communication.

ممکن است برای برخی از شما کلمات نا آشنایی مانند **universal** و **communication** کمی آزاردهنده جلوه کنند، اما نگران نباشید. هدف آن است که مفهوم کلی جمله را درک کنید. معنی دم دستی این جمله این است:

((سال‌ها مردم سعی داشته‌اند که یک زبان ساده خلق کنند که در سراسر جهان به عنوان یک وسیله‌ی مشترک به کار رود.))

توجه دارید که کلماتی مانند **universal** و **communication** عمداً معنا نشده‌اند. هیچ اتفاق خاصی هم نیفتاد. مفهوم کلی جمله همین‌ی بود که گفتیم!!

الان مشخص است که سمت و سوی متن در مورد یک زبان مشترک همه کس فهم است! این دید کلی در ادامه‌ی کار به ما بسیار کمک خواهد کرد. الان می‌دانیم که موضوع متن مثلاً درباره‌ی ریاضی ، پزشکی ، نجوم ، ورزش‌های رزمی و هزار موضوع با ربط و بی‌ربط دیگر نیست!

حالا اگر متن ، بندهای دیگری هم می‌داشت ، بهتر بود به سراغ جمله‌های اول بندهای دیگر هم برویم تا با دیدی بهتر بتوانیم به سؤال‌ها پاسخ دهیم. خوشبختانه این متن فقط یک بند دارد. حال مستقیماً به سراغ سؤال‌ها می‌رویم:

1. What is the passage mainly about?

- 1) The life of a Polish school boy
- 2) Invention of a universal language
- 3) How Esperanto has helped people
- 4) How people often do not understand each other

این متن عمدتاً در باره‌ی چه چیزی است؟

(1) زندگی یک پسر مدرسه‌ای **Polish**

(2) اختراع یک زبان **universal**

(3) چگونه **Esperanto** به مردم کمک کرده است

(4) چگونه مردم اغلب هم دیگر را نمی‌فهمند

ما باز هم عمداً برخی کلمات را که احتمالاً برای بعضی از شما نا آشناست ، به همان صورت قرار داده‌ایم. خوب به گزینه‌ها نگاه کنید و سپس دید اولیه‌ای را که از جمله‌ی اول متن دستگیرتان شده است در نظر بگیرید. یادتان می‌آید که مفهوم جمله‌ی اول چه بود؟
(سال‌ها مردم سعی داشتند که یک زبان ساده خلق کنند که در سراسر جهان به عنوان یک وسیله‌ی مشترک به کار رود.)

حالا شما بگویید کدام گزینه پاسخ این سوال است؟ شک نکنید که فقط گزینه‌ی ۲ می‌تواند ایده‌ی کلی متن را در بر داشته باشد.

حالا سر وقتِ سؤال دوم برویم:

2. What does the word "these" in line 4 refer to?

1) Years

2) Means

3) People

4) Languages

گاهی در متن زیر کلمه‌ای را با یک خط مشخص می‌کنند و از داوطلب می‌خواهند که مرجع ضمیر را مشخص کنند. به این سؤالات اصطلاحاً ، Referential Questions (سؤالات ارجاعی) می‌گوییم. کافی است کلمه‌ی مورد نظر را در جمله پیدا کنید و آن را به دقت بخوانید . سپس مشخص کنید که آن کلمه به کدام کلمه‌ی قبل یا بعد از خود اشاره دارد. حالا جمله‌ی مورد نظر را می‌خوانیم:

The most successful and the most popular of these is a language called Esperanto.

((موفق‌ترین و محبوب‌ترین این‌ها ، زبانی به نام Esperanto است.))

حتی بدون نگاه کردن به جمله‌های قبل هم ، مشخص است که کلمه‌ی این‌ها به زبان‌ها ، اشاره دارد. چون در ادامه‌ی همین جمله صراحتاً به language اشاره شده است. بنابراین پاسخ این سؤال ، گزینه‌ی « ۴ » است.

سوال سوم این گونه است:

3. Which of the following statements is TRUE?

1) Ludwig was afraid of people, so he changed his name.

2) Ludwig started to work on his idea when he was very young.

3) Esperanto has been widely used for the last three hundred years.

4) Many people did not understand Ludwig, so they disagreed with him.

کدام یک از جمله‌های زیر درست است؟

- (۱) Ludwig از مردم می ترسید ، بنابر این اسم اش را تغییر داد.
- (۲) Ludwig شروع به کار در مورد ایده اش کرد وقتی خیلی جوان بود.
- (۳) Esperanto در سیصد سال گذشته به صورتی گسترده مورد استفاده قرار گرفته است
- (۴) بسیاری از مردم Ludwig را درک نمی کردند ، بنابر این با او مخالفت کردند.

به جرات می توان گفت که سخت ترین نوع سؤالات درک متن سؤالاتی است که به درک جزئیات متن مربوط است. اما نگران نباشید . گاهی مقایسه‌ی گزینه‌ها ، بی ربط بودن و غیر منطقی بودن آن ها را از صد فرسخی نشان می دهد!

مثلاً بسیار بعید است کسی به خاطر ترس از مردم ، اسمش را تغییر دهد!! (گرچه غیر ممکن نیست ولی بسیار بعید است!) اما سه گزینه ی دیگر قطعاً نیاز به بررسی بیشتر دارند.

در این گونه موارد باید کلمات کلیدی هر گزینه را در نظر بگیریم و آن را در متن scan کنیم تا درستی یا نادرستی آن مشخص شود. کلمات کلیدی گزینه ی دوم work ، idea ، start و young است. باید با نگاهی سریع به متن این کلمات را جستجو کنیم:

در سطر ۷ و ۸ به این جملات می رسیم :

So he began working on a common international language. He started his work while he was still at school!

((او شروع به کار در مورد یک زبان مشترک بین المللی کرد. او کارش را وقتی در مدرسه بود شروع کرد [این یعنی این که خیلی کم سن و سال و جوان بود!]))

اکنون، جواب سوال مشخص شد. وقتی یقین داریم که پاسخ سؤال را یافته‌ایم ، برای صرفه جویی در زمان ، می توانیم از خواندن بقیه‌ی گزینه‌ها صرف نظر کنیم، مگر این که از انتخاب خود اطمینان کامل نداشته باشیم.

حالا برای این که خیالتان راحت شود دو گزینه‌ی دیگر را هم بررسی می کنیم:

کلمات کلیدی گزینه‌ی سوم **three hundred years** (سیصد سال) است. این عبارت در سطر دوم دیده می‌شود:

In the last three hundred years, more than seven hundred such languages have been suggested.

((در سیصد سال گذشته ، بیش از هفتصد زبان از این نوع ، پیشنهاد شده است.))

می بینید که این جمله هیچ ربطی به مفهوم گزینه‌ی « ۳ » ندارد.

در گزینه‌ی « ۴ » ، کلمات کلیدی می‌تواند **Ludwig ، understand ، people** و **disagreed** باشد. به طور مثال با **scan** کردن کلمه‌ی **people** در متن ، چیزی که با گزینه‌ی « ۴ » هماهنگی داشته باشد نمی‌توانیم پیدا کنیم. بنابراین با اطمینان کامل گزینه‌ی « ۲ » را به عنوان پاسخ سؤال انتخاب می‌کنیم.

حال نوبت به سؤال پایانی می‌رسد:

4. What do we understand about Ludwig Zamenhof?

- 1) He was hopeful that his invention would become successful one day.
- 2) He had difficulty communicating with people when he was growing up.
- 3) He spoke to eight million people in Esperanto.
- 4) He worked at an official radio station.

ما درباره‌ی **Ludwig Zamenhof** چه می‌فهمیم؟

- ۱) او امیدوار بود که اختراع اش روزی موفق خواهد شد.
- ۲) او وقتی داشت بزرگ می‌شد در برقراری ارتباط با دیگران مشکل داشت.
- ۳) او با هشت میلیون نفر به زبان **Esperanto** صحبت کرد.
- ۴) او در یک ایستگاه رادیویی کار کرد.

این سؤال هم مربوط به جزئیات متن است. در این گونه موارد ، ابتدا گزینه‌هایی که با عقل سلیم و با منطق ناسازگار هستند رد می‌کنیم و سپس سراغ گزینه‌هایی می‌رویم که به طور بالقوه می‌توانند پاسخ سؤال ما باشند. خوب ! شما بگویید کدام گزینه یا گزینه‌ها با منطق جور در نمی‌آیند؟ آفرین ! گزینه‌ی ۳ دارد خودش را می‌گشاید! چه طور ممکن است کسی با ۸ میلیون آدم به یک زبان حرف بزند؟ اصلاً عقلانی نیست!!

خوب حالا سراغ کلمات کلیدی هر گزینه می‌رویم و آن‌ها را در متن **scan** می‌کنیم:

کلمات کلیدی گزینه ی ۱ ، hopeful ، invention و successful است. از کلمه ی اول شروع کنیم. در سطر ۱۰ به این جمله بر می خوریم:

He used the name Dr. Esperanto (which means "one who hopes").

((اواز نام Dr. Esperanto استفاده کرد (که به معنی کسی است که امید وار است)).

پس به طور تلویحی دارد می گوید که او امید وار بود که اختراعش موفقیت آمیز باشد. جواب سوال هم همین گزینه است. اگر وسواس دارید می توانید بقیه ی گزینه ها را هم بررسی کنید. اما از من به شما نصیحت! وقتتان را تلف نکنید!!

اکنون، برای ورزیده شدن بیشتر ، نگاهی به یکی دیگر از نمونه سؤال های متن های کنکور سراسری پردازیم:

Andres Celsius (1701- 1774) was a Swedish physicist and astronomer who lived and worked at Uppsala and became professor of astronomy at the university there in 1730. He organized the building of the Uppsala observatory, which was completed in 1740. And worked there for the last four years of his life. He wrote two books on astronomy. One concerned with a new method for working out the distance from the Earth to the Sun and the other concerning observations to determine the shape of the Earth.

Celsius is, today, best known as the inventor of the temperature scale that bears his name. This scale, which is sometimes called the centigrade scale, is used throughout the world, especially for scientific measurements. In 1714, Daniel Fahrenheit (1686 - 1736), a German physicist from Danzig (modern Gdansk, in Poland), who worked mainly in the Netherlands, had introduced his temperature scale, which fixed the freezing point of water at 32 OF and its boiling point at 212 OF.

In 1741, Celsius adopted a different scale. As the basis, he chose the temperature range over which water remained liquid, and divided it into 100 equal intervals, or degrees. Instead of the 180 of the Fahrenheit scale. Originally, Celsius set the melting point of ice at 100 and the boiling point or water at 0, but the zero and 100 were later reversed. The scale was initially called the centigrade scale from the Latin centum gradus, meaning "one hundred steps". But at an international conference in 1948, scientists renamed the scale after its inventor and it is now officially referred to as the Celsius temperature scale.

Scientists have found the Celsius scale more convenient to use than the Fahrenheit scale and it has been more expanded to include temperatures lower than 0 and higher than 100. It is in common use throughout Europe, although in the United States and Canada the Fahrenheit scale is still preferred for ordinary, non-scientific purposes.

(متن دوم – آزمون خارج از کشور ۹۴)

این متن برخلاف متن پیشین، از چهار بند تشکیل شده و مشتمل بر ۳۲۰ کلمه است. همان طور که پیش از این گفتیم ابتدا، جمله های اول هر بند را می خوانیم تا به دیدی اجمالی از متن دست پیدا کنیم:

جمله ی اول بند ۱:

Andres Celsius (1701- 1774) was a Swedish physicist and astronomer who lived and worked at Uppsala and became professor of astronomy at the university there in 1730.

Andres Celsius ، physicist و astronomer سوئدی بود که در Uppsala زندگی و کار می کرد و در سال ۱۷۳۰، پروفیسور astronomy در دانشگاهی در آن جا شد.

جمله ی اول بند ۲:

Celsius is, today, best known as the inventor of the temperature scale that bears his name.

Celsius امروزه به عنوان مخترع مقیاس درجه حرارتی که نام او را bear می کند، مشهور است.

جمله ی اول بند ۳:

In 1741, Celsius adopted a different scale.
در سال ۱۷۴۱، سلسیوس مقیاس دیگری adopt کرد.

جمله ی اول بند ۴:

Scientists have found the Celsius scale more convenient to use than the Fahrenheit scale.

دانشمندان، استفاده از مقیاس سلسیوس را نسبت به مقیاس فارنهایت، convenient تر! یافته اند!!

حتماً توجه دارید که من کلمات نا آشنا و به ظاهر مشکل را عمداً به همان صورت آورده ایم. اگر به برآیند مفهوم این جمله ها پردازیم ، حتماً متوجه می شوید که این متن تاریخچه ای از ابداع درجه حرارت فارنهایت و سلسیوس است و مطمئناً در باره ی موضوعاتی مانند زیر دریایی ، کشف مریخ ، وجود آب در ماه و مانند آن نیست!!

حال طبق قرار، مستقیماً به سراغ سؤالات می رویم:

1. What did Celsius do from 1771 to 1774?

- 1) He taught at Uppsala University.**
- 2) He worked at the Uppsala observatory.**
- 3) He wrote two of his most famous books.**
- 4) He calculated the distance from the Earth to the Sun.**

سلسیوس از سال ۱۷۷۱ تا ۱۷۷۴ چه کار کرد؟

(۱) او در دانشگاه Uppsala تدریس کرد.

(۲) او در Uppsala observatory کار کرد.

(۳) او دو تا از مشهورترین کتاب هایش را نوشت.

(۴) او فاصله ی بین زمین تا خورشید را محاسبه کرد.

کلمات کلیدی سؤال، دو عدد مربوط به سال ۱۷۷۱ تا ۱۷۷۴ است که باید آن را در متن scan کنیم.

۱۷۷۴ سال وفات سلسیوس است و ۱۷۷۱ چهار سال قبل از مرگ وی. در اواخر سطر سوم به این جمله می رسیم:

And worked there for the last four years of his life.

و در چهار سال آخر عمرش در آن جا کار کرد.

خوب کدام گزینه به کار کردن وی اشاره دارد؟ آفرین! گزینه ی ۲. می بینید که اصلاً سوال سختی نبود.

لطفاً از قلمبه سلمبه بودن کلمات متن نترسید. به توانایی های خود باور داشته باشید و قدم به قدم خود را به پاسخ درست برسانید.

سوال دوم:

2. Which of the following can be understood from the passage?

- 1) Celsius changed his scale when he heard of the Fahrenheit scale.
- 2) Daniel Fahrenheit spent most of his time doing research in Germany.
- 3) The Fahrenheit scale had been invented sooner than the Celsius scale.
- 4) Celsius invented his scale while making observations to determine the shape of the Earth.

۲. کدام یک از موارد زیر، از متن فهمیده می شود؟

- ۱) سلسیوس وقتی از مقیاس فارنهایت خبردار شد، مقیاس خود را تغییر داد.
- ۲) دانیل فارنهایت بیشتر عمر خود را به تحقیق در آلمان گذراند.
- ۳) مقیاس فارنهایت زودتر از مقیاس سلسیوس اختراع شده بود.
- ۴) سلسیوس، مقیاس خود را زمانی که برای تعیین شکل زمین مشاهداتی انجام می داد، اختراع کرد.

این سؤال نیز مربوط به جزئیات متن است و باید با جستجوی کلمات کلیدی هر گزینه در متن، به پاسخ برسید. شکی نیست که این نوع سؤالها، کمی از حد معمول به ظرافت و دقت بیشتر نیازمند است، اما جای نگرانی نیست. با کمی حوصله و با تمرکز بر گزینه‌هایی که احتمال می‌دهید امکان دارد بیشتر از بقیه، پاسخ سؤال مورد نظر باشند، می‌توان به جواب رسید.

در بخشی از بند دوم آمده است:

In 1714, Daniel Fahrenheit (1686 - 1736), a German physicist from Danzig (modern Gdansk, in Poland), who worked mainly in the Netherlands, had introduced his temperature scale, which fixed the freezing point of water at 32 OF and its boiling point at 212 OF.

دانیل فارنهایت (۱۶۸۶ - ۱۷۳۶) که یک physicist آلمانی اهل Danzig (Gdansk جدید در Poland) است، عمدتاً در Netherlands کار کرد؛ در سال ۱۷۱۴، مقیاس درجه حرارت خود را معرفی کرد

از طرفی در اول بند سوم داریم:

In 1741, Celsius adopted a different scale.

در سال ۱۷۴۱، سلسیوس مقیاس دیگری adopt کرد.

با مقایسه‌ی این جمله‌ها درمی‌یابیم که فارنهایت زودتر از سلسیوس مقیاس درجه حرارت را ابداع کرده است و این یعنی این که مناسب‌ترین پاسخ، گزینه‌ی سوم خواهد بود.

حالا به بررسی سوال سوم بپردازیم:

3. What does the word initially in line 17 mean?

4) At first

3) At least

2) At best

1) At last

۲. واژه ی **initially** (ابتدائاً) در سطر ۱۷ به چه معناست؟

(۴) در آغاز

(۳) حد اقل

(۲) منتهای مراتب

(۱) سر انجام

گاهی مانند این سوال، کلمه ای از متن مشخص می شود و از شما می خواهند که کلمه ی هم معنی آن را از بین گزینه ها انتخاب کنید. حالا جمله ای را که کلمه ی مورد نظر در آن به کار رفته است، پیدا می کنیم و مورد بررسی قرار می دهیم تا شاید از فحوای کلام، معنی آن را حدس بزنیم.

The scale was initially called the centigrade scale from the Latin centum gradus, meaning "one hundred steps".

این مقیاس، **initially** که از واژه ی لاتین **centum gradus** گرفته شده و به معنی "صدپله/صدگام" است، سانتی گراد نامیده شد.

به نظر می رسد که گزینه های ۱ و ۲ معنایی نزدیک به یکدیگر دارند و بنابر این نمی توانند درست باشند. گزینه ی سوم به معنای "حداقل" نمی تواند در جمله ی مورد نظر معنای خوبی داشته باشد. بنابر این بهترین پاسخ، گزینه ی ۴ است. البته اگر داوطلبی معنی **initial** را از قبل می دانست، دیگر نیاز به بررسی جمله هم نبود و با یک نگاه این گزینه را انتخاب می کرد. خوش به حال او!!

و اما آخرین سوال این متن:

4. What does the writer implicitly say in the last paragraph?

1) People generally respect Celsius more than Fahrenheit.

2) The Celsius scale is used for scientific purposes in North America.

3) Scientists have developed the Celsius scale to make it more practical.

4) The Europeans use the Celsius scale less often than the Fahrenheit scale.

۴. نویسنده در آخرین پاراگراف به طور ضمنی (تلویحی) چه می گوید؟

(۱) مردم معمولاً برای سلسیوس احترام بیشتری نسبت به فارنهایت قایل هستند.

(۲) مقیاس سلسیوس در امریکای شمالی برای اهداف علمی استفاده می شود.

(۳) دانشمندان مقیاس سلسیوس را برای کاربردی تر کردن آن تکامل داده اند.

(۴) اروپایی ها از مقیاس سلسیوس کمتر از مقیاس فارنهایت استفاده می کنند.

در آخرین سطر متن ، داریم:

...in the United States and Canada the Fahrenheit scale is still preferred for ordinary, non-scientific purposes.

در ایالات متحده و کانادا ، مقیاس فارنهایت هنوز برای اهداف معمولی و غیر علمی ، ترجیح داده می شود.

در ساقه ی سوال آمده است که کدام گزینه به صورت غیر صریح ، تلویحی یا ضمنی در متن آمده است. جمله ی آخر می گوید که در امریکا و کانادا (همان امریکای شمالی) برای اهداف معمولی و غیر علمی ، فارنهایت ترجیح داده می شود ، تعبیر دیگر این جمله آن است که برای اهداف علمی ، سلسیوس ترجیح داده می شود. غیر از این است؟؟؟ بنابر این پاسخ درست ، گزینه ی ۲ خواهد بود.

سه اصل بسیار مهم در برخورد با متن های Reading

این سه اصل را آویزه ی گوشتان کنید لطفاً:

- ۱- در پاسخ به سؤال های درک متن ، به هیچ وجه قرار نیست تمام متن را مو به مو بخوانیم. اما در برخی سؤال ها لازم است بخش هایی از متن را دقیق بخوانیم.
- ۲- لازم نیست معنی تک تک واژه ها را بلد باشیم . هدف درک کلی متن است نه درک تمام جزئیات متن.
- ۳- باید یاد بگیریم اگر پاسخ سؤالی را قطعاً نمی دانیم ، از آن بگذریم.

متن های کنکور بسیار متنوع طرح می شوند. گاهی موضوعات متن ، علمی هستند ؛ زمانی به هنر مربوط می شوند؛ گاهی به زندگی و آثار یک شخصیت ادبی ، سیاسی ، تاریخی و... می پردازند. خلاصه این که باید خود را آماده ی روبه رو شدن با متن های مختلف کنید. آشنایی نسبی با متن های گوناگون می تواند یک مزیت باشد ، اما آشنا نبودن با موضوع متن مورد سؤال ، جای نگرانی ندارد. زیرا شما علی القاعده باید پاسخ تمام سؤال ها را بتوانید در متن بیابید. پس نگران نباشید.

تیپ معمول در سوال های کنکور

۱- سؤال های مربوط به ایده ی کلی متن
برای یافتن پاسخ این نوع سوال ها ، همان طور که پیش از این در توضیح مفهوم skimming گفتیم ، باید جمله ی موضوع (معمولاً جمله ی اول هر پاراگراف) را به دقت بخوانیم .
تیپ سوال هایی که غالباً به موضوع ایده ی کلی ارتباط پیدا می کنند ، می تواند این گونه طرح شوند:

1- What is the topic (subject) of the passage?

موضوع این متن چیست؟

2- What is the main idea of the passage?

ایده (مضمون) اصلی این متن چیست؟

3- What is the author's (writer's) main point in the passage?

منظور اصلی نویسنده در این متن چیست؟

4- Which of the following would be the best title?

کدام یک از موارد زیر بهترین عنوان برای متن است؟

۲- سوال های مربوط به جزئیات موجود در متن

در بسیاری از سوال های درک متن، لازم است دنبال چیز هایی باشیم که مستقیماً و به صراحت از آن ها سخن به میان آمده است. به عبارت بهتر، در این قبیل سوال ها بنا بر این نیست که به دنبال نتیجه گیری باشیم ؛ بلکه باید مو به مو جزئیات موجود در متن را تعقیب کنیم و در پی یافتن بهترین پاسخ ، متن را scan کنیم. پاسخ این قبیل سوال ها اغلب همان مفهوم مطرح شده در متن و البته با استفاده از کلمه های هم معنی (synonym) است. مراقب باشید. استفاده ی دقیق از کلمه های موجود در متن در بین گزینه ها اغلب ، دام آموزشی برای داوطلبان عجول و کم دقت است !

تیپ سوال های مطرح شده برای این قبیل جزئیات می تواند نمونه هایی مانند زیر باشد:

..... 1- According to the passage , مطابق متن،

..... 2- It is stated in the passage that در متن بیان شده است که

..... 3- The passage indicates that متن می گوید که

..... 4- The author (writer) mentions that..... نویسنده می گوید که

5-Which of the following is true?

کدام یک درست است؟

6-Which of the following is NOT true?

کدام یک درست نیست؟

۳- سوال های مربوط به چیزهایی که در متن بیان نشده اند.

از داوطلبان انتظار می رود گزینه ای را انتخاب کنند که در متن در باره ی آن صحبتی به میان نیامده است و یا مطابق با متن ، نادرست است. در حقیقت ، سه گزینه بر اساس موارد مطروحه در متن ، صحیح هستند و تنها یک گزینه ، غلط است و داوطلب باید همان گزینه ی نادرست را به عنوان پاسخ انتخابی خود برگزیند.

تیپ سوال های مربوط به این قسمت ، قالبی این گونه دارند :

1- Which of the following is not stated(mentioned/ discussed)?

کدام یک از موارد زیر در متن نیامده (ذکر نشده / بحث نشده) است؟

2- All of the following are true except

تمام موارد زیر صحیح هستند به جز.....

۴- سوال های ارجاعی (Referential Questions)

در برخی موارد، داوطلبان باید مرجع یک ضمیر را در متن ، مشخص کنند. در این قبیل سوال ها، گاهی یک اسم در جمله ای از متن ، استفاده شده و سپس به جای آن یک ضمیر به کار می رود. غالباً این ضمیر به کلمه ی پیش از خود اشاره دارد که باید با مطالعه ی دقیق جمله ی مورد نظر ، مرجع آن ضمیر را مشخص نمایید. الگوی سوال های این قسمت می تواند قالبی مانند جمله های زیر داشته باشد:

1-The pronoun "" in line refers to ____.

ضمیر "" در سطر اشاره دارد به ____ .

2- The underlined word in line refers to ____.

کلمه ی مشخص شده در سطر اشاره دارد به ____ .

۵- سوال های غیر مستقیم (استنباطی / تلویحی)

برخی از سوال های درک متن ، نیازمند پاسخ هایی هستند که صراحتاً در متن از آن ها صحبتی به میان نیامده است ؛ بلکه استنباط شما را از کلیت متن مورد سنجش قرار می دهند. در حقیقت، بنا بر آن است که داوطلب براساس قراین و شواهد موجود در متن به نتیجه گیری خاصی برسد. به این قبیل سوال ها اصطلاحاً (Implied Questions) یا سوال های غیر مستقیم و یا استنباطی می گویند. لازم به ذکر است که بسامد طرح چنین سوال هایی نسبت به سوال های پیش گفته ، بسیار کمتر است.

الگوی معمول این قبیل سوال ها به صورت های زیر است :

1. It is implied in the passage that

به طور تلویحی در متن آمده است که

2. It can be inferred from the passage that

از متن می توان استنباط کرد که

3. It is indirectly stated that

به طور غیر مستقیم گفته شده است که

۶- سوال های واژگانی

در سوال های درک متن ، گاهی به سوال های مربوط به واژه نیز بر می خوریم. در این نوع سوال ها ، واژه ای را در متن مشخص می کنند و از داوطلب می خواهند مترادف و یا گاهی متضاد آن را از بین گزینه های پیشنهادی برگزینند. حتماً توجه دارید که یک واژه ممکن از بیش از چند معنی داشته باشد. آن چه که حایز اهمیت است آن است که بدانیم کلمه ی مورد نظر در آن جمله ی خاص ، چه معنی دارد. برای پاسخ به این قبیل سوال ها هرچه دامنه ی واژگانی داوطلب گسترده تر باشد، یافتن پاسخ درست آسان تر خواهد بود.

در این جا بار دیگر تاکید می کنیم پیش از فرا رسیدن زمان آزمون ، هرچه می توانید لغت یاد بگیرید. مسلح شدن به این سلاح در شکستن شاخ آزمون زبان ، از نان شب هم واجب تر است!

الگوی معمول این قبیل سوال ها به صورت های زیر است :

1-The underlined word in line is closest in meaning to ____.

کلمه ی مشخص شده در سطر از نظر معنایی به گزینه ی ____ نزدیک تر است.

2- What is the meaning (synonym) of the underlined word in line?

معنی کلمه ی مشخص شده در سطر کدام است؟

3- The opposite (antonym) of the underlined word in line is ____.

متضاد کلمه ی مشخص شده در سطر گزینه ی ____ است.

امید است داوطلبان عزیز با بهره گیری از مطالب این نوشتار ، در پاسخ گویی به سوالات درک متن کنکور ، نتایج بهتری نسبت به گذشته کسب کنند.

برای همی شما موفقیت های روزافزون آرزو دارم. سعادت مند باشید